



با توجه به اهمیت دینی و سیاسی مفهوم «امنیت»، نوشتار حاضر بررسی این مفهوم و آموزه‌های دفاعی - امنیتی را در آرای امام چهارم علیه السلام و جهت همت قرار داده است. بر مبنای مستندات این پژوهش، این فرضیه اثبات می‌گردد که صحیفه و مصحف شریف سجادیه، به ویژه دعای بیست و هفتم آن، شامل دکترین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم نظیری است که امام سجاد علیه السلام، با رویکرد ظلم ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائر وقت و به خاطر حفظ اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدها و تهاجمات بیگانگان طراحی کرده و اندیشیده است و اکنون با قطعیت می‌توان بدین آموزه‌ها اتکا و استناد کرد.

«دکترین» و سیاست‌های دفاعی - امنیتی در صحیفه سجادیه

بهرام اخوان کاظمی*



«دکترین» و سیاست‌های دفاعی - امنیتی...

صحیفه سجادیه
شامل آموزه‌های
دفاعی - امنیتی
بسیار منسجم و
کم نظیری است که
امام سجاده علیه السلام با
رویکردی ظلم
ستیزانه به خاطر
حفظ اساس اسلام
و مصالح امت
اسلامی طراحی و
اندیشیده است.

◀ مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که تبیین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی معصومین علیهم السلام از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما به نظر می‌رسد که این اهمیت و ضرورتِ چنین اقدامی، در مورد بعضی از معصومین؛ مانند امام زین العابدین بیش از دیگران است. یکی از دلایل چنین مدعایی، تصوّرات غلطی است که از امام چهارم در اذهان و افواه عامه وجود دارد؛^۱ تصوّراتی دال بر این که امام علیه السلام بخش زیادی از عمر شریف خود را به بیماری گذرانده و به غیر از قلمرو دعا و مناجات، به عرصه دیگری وارد نشده است!

نوشته حاضر می‌کوشد در راستای رد چنین توهماتی، آموزه‌های دفاعی و امنیتی آن حضرت را - آن هم در عصر حکومت‌های جائر و متغلب و شرایط حاد و بحرانی معاصر حیات آن امام - بررسی کند. گفتنی است امنیت از مفاهیم بسیار با اهمیت و متطوری است که در گذشته و حال، در حیات دینی، فکری سیاسی و اجتماعی کلیه جوامع مطرح بوده، ضمن آن که صدها بار، بامشتقات و اژه‌ای خویش، در کلام الهی و به کرات در سایر منابع اسلامی بدان اشارت رفته است و با توجه به اهمیت سیاسی و دینی این مفهوم گل‌سنگ، این نوشتار بررسی آن را در آرای امام، و جهت‌همت خود قرار داده است.

پرسش اصلی این پژوهش - که نگارنده سعی در پاسخ به آن دارد - چنین است:

«آیا در صحیفه سجادیه می‌توان به دیدگاه‌ها و آموزه‌هایی درباره مسائل دفاعی و امنیتی دست یافت؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این آموزه‌ها از انسجام، ارزش و اهمیتی والا برخوردار است؟»

۱. برای اطلاع از تصوّرات خطا درباره امام؛ ر.ک. به: عادل ادیب، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۱۶۵ - ۱۵۹



در این راستا، برخی پرسشهای فرعی از جمله موارد ذیل قابل طرح است:

۱- آیا طراحی فکری و راهبردهای دفاعی - امنیتی امام سجاد برای مرداران اسلامی به معنای همراهی با حکومت‌های جائز وقت بوده است؟ اگر چنین نیست، هدف امام از ارائه این راهبردها و راهکارها چگونه قابل توجیه است؟

۲- امنیت در منابع اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟

۳- آیا میان وضعیت حاد، بحرانی و ناامن زمان امام سجاد و ادعیه حاوی آراء ایشان در باب سیاست‌های دفاعی و امنیتی ارتباطی وجود دارد؟ این وضعیت چه ویژگی‌هایی داشته است؟

فرضیه یا مدعای این پژوهش را می‌توان اینگونه ترسیم کرد:

«صحیفه سجادیه شامل دکترین^۱ و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم نظیری است که امام سجاد علیه السلام با رویکردی ظلم ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائز وقت، به خاطر حفظ اساس اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدات و تهاجمات بیگانگان، طراحی کرده و اندیشیده است و اکنون نیز می‌توان بدان اتکا و استناد نمود.»

◀ بهره‌مختست - دورمتملاطم، بحرانی و ناامن عصر امام چهارم

امام علی بن الحسین، بنا به نظریه معروف، در سال ۳۸ هجری

۱. در زبان لاتین، واژه *Doctrina* به معنای دکترین، آموزش و علم است، کلمه *Doctrina* با تلفظ، املا و معنای مشابه نیز به زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسوی راه یافته است. دکترین در زبان فارسی با اصطلاح «آموزه» ترجمه شده و می‌توان آن را این چنین تعریف کرد:

مجموعه آراء، عقاید، ساز و کارها و راهکارها و آموزش‌هایی است که تفسیرهای راهبردی از حوزه‌های اساسی حیات بشر در عرصه‌های نظری و عملی، برای بهزیستی و مدیریت بهینه حیات فردی و جمعی بشر ارائه می‌دهد.



دیده به جهان گشود و در سال ۹۴ هجری، با زهری که به دستور هشام بن عبدالملک به آن حضرت خوراندند، مسموم شد و به شهادت رسید. دوران خردسالی و یا نوجوانی او مصادف بود با حکومت معاویه، آشفتگی و سپس اختناق عراق و بحران‌های حجاز و درهم ریختن سنت و پدید آمدن بدعت. امام علیه السلام، نزدیک به سه سال، از خلافت امام علی علیه السلام و شش ماه خلافت امام حسن علیه السلام و سپس شهادت ایشان را درک کردند. پس از واقعه جانکاه عاشورای سال ۶۱ هجری و شهادت حسین بن علی علیه السلام، مسؤولیت زمامداری مسلمانان و امامت امت از جانب خدا به او واگذار شد و حضرت در دوره پرتلاطم حیات خویش، با خلفای متغلب کم‌نظیری مانند یزید بن معاویه، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان بن حکم و ولید بن عبدالملک معاصر بود. بسیاری از سیره شناسان معصومین علیهم السلام، دوره امامت حضرت سجاد را مصادف با یکی از پرمحنت‌ترین و سیاه‌ترین دورانی دانسته‌اند که بر اهل بیت گذشته است^۱ و در این دوره، جو اختناق، ناامنی و سفاکی نسبت به امام و شیعیان و انحراف از سیره نبوی و علوی به اوج خود رسید و زمامداران بدون پنهان کاری‌های قبلی، سیاست‌های پلید غیر اسلامی و انسانی خود را با بازگشت مفتخرانه به رفتارهای عصر جاهلی و قبیله‌ای آشکارا دنبال می‌کردند و با مخالفین خود، به سبعانه‌ترین شکل برخورد می‌نمودند.

امام سجاد مانند اجداد پاکش در رودررویی با نظام‌های سیاسی جائز، از مجاهدت و سیره مبارزاتی درخشانی برخوردار بوده است و در مقابله با آنان حتی گامی عقب ننشست. آن حضرت در کنار این سیره مبارزاتی و ادامه خط سرخ شهادت‌طلبی حسینی و تلاش بی‌امان در ایستادگی در برابر انحراف حکومت‌ها و توده‌های نادان از اسلام ناب نبوی و علوی، به تنویر اذهان عمومی در این باره پرداخت



۱. برای نمونه ر.ک. به: ادیب، پیشین، صص ۱۵۴ و ۱۵۵

خطابه‌های
آتشین حضرت
سجاد، پس از واقعه
عاشورا، از بهترین
شواهد ظلم ستیزی
بی‌امان حضرت
است.

و در همین راستا به تربیت شاگردان بسیار مبرز و ناموری پرداخت که عدد آن‌ها از یک صد و هفتاد تن افزون است. اما بدیهی است که در جو خفقان آن روز، پیمودن چنین مسیری و دنبال کردن این اهداف عالی، به سادگی میسر نبود و در واقع حضرت با راهبردهایی مانند نوشتن کتاب صحیفه سجادیه و آن هم در قالب پنجاه و چهار فقره دعا و مضامین عرفانی، مقاصد سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی خود را تا جای ممکن بیان فرموده و در قالب دعا، به مسلمانان درس قیام داد، همچنان که در دعای بیستم این مصحف می‌فرماید:

«پروردگارا! درود فرست بر محمد و آلش و هر که در حقم
ظلم و ستم کرد، مرا بر او دست قدرت و نیروی انتقام عطا
فرما و زبان مرا با خصم من گویا گردان و هر که با من عناد و
لجاجت کند، مرا بر او پیروز گردان و هر که با من مکر و
خدعه کند تو مگری که بر او غالب شوم بر من عطا فرما و
هر که با من به قهر و غلبه برخیزد، مرا بر او قدرت
بخش....»^۱

خطابه‌های آتشین حضرت سجاد، پس از واقعه عاشورا، از
بهترین شواهد ظلم ستیزی بی‌امان حضرت است. پس از این فاجعه
که امام به صورت اسیر با کاروان اسرا به کوفه و آنگاه به شام منتقل
شد، در اجتماعات مردمی این مسیر، به شدیدترین انتقادات از
زمامداران جائر وقت و مسببان واقعه کربلا پرداخت تا جایی که در
مجلس عبیدالله زیاد (امیر کوفه) پس از گفتگوی مفصلی که غضب و
خشم شدید عبیدالله را موجب شد، به قتل تهدید گردید و امام در
پاسخ او فرمود:

«آیا مرا با کشتن می‌ترسانی و نمی‌دانی که کشته شدن برای

۱. امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران،
انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۱۹۰



ما یک کار عادی است و شهادت برای ما کرامت و فضیلت است؟»^۱

همچنین امام در گفتگویی با یزید در یک مجلس رسمی نیز تهدید به قتل گشت؛ آنجا که حضرت در پاسخ او فرمود:

«هیچگاه آزاد شدگانی مانند بنی امیه نمی‌توانند حکم قتل انبیا و اوصیا را صادر کنند، مگر از اسلام خارج شوند و اگر چنین تصمیمی داری، مرد مطمئنی را حاضر کن تا وصیت کنم و اهل حرم را به او بسپارم.»^۲

بنابراین، امام در پاسخ، هرگز از یزید درخواست عفو نکرد، بلکه با ابراز آمادگی برای شهادت، درخواست نمود که فرد امینی را برای رساندن کاروان اسرا به مدینه معین کنند. ضمن آن که امام در خلال خطابه آتشین خود در مسجد شام و در حضور آحاد مردم، نقاب از ماهیت و چهره پلید خاندان اموی برگرفت تا جایی که یزید و اطرافیان وی از بیانات امام و وضع مجلس، به شدت بیمناک گشته، مسجد را ترک کردند.

از سویی به دلیل حکومت جائرانه و دین ستیزانه خلفای نالایق اموی، فتنه‌ها و شورش‌های بی‌شماری در عصر امام سجاد بر ضد حکومت‌های وقت رخ داد و به ویژه در دوره یزید این شورش‌ها و از جمله شورش مردم مدینه - در واقعه حره - به شدت سرکوب شد و طی این واقعه، به مدت سه روز، جان و مال مردم مدینه برای لشکریان یزید به فرماندهی مسلم بن عقبه مباح شمرده شد و این فاجعه و قتل عام را باید یکی از اسفناک‌ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار آورد. همچنان که طی حمله سپاهیان یزید به فرماندهی حصین بن نمیر و جهت سرکوبی پسر زبیر، حصین، مکه را محاصره و شهر را آماج سنگ‌های منجیق‌ها قرار داد و در این گیر و دار، خانه کعبه تخریب و به آتش کشیده شد.

همچنین در عصر معاویه بن یزید، شام از آشوب برکنار نماند و گرفتار ستیزهای قبیله‌ای و چشم و هم‌چشمی‌های «قیسی»ها و «کلبی»ها گردید. از سوی دیگر در این دوره پرتلاطم باید از قیام مختار پسر ابو عبیده ثقفی - به خونخواهی امام حسین - یاد کرد که اصلی‌ترین جنایتکاران فاجعه کربلا را به سزایشان رسانید. به هر حال، عصر مزبور و به خصوص

۱. سبحانی، جعفر، اصول عقاید اسلامی و نگاهی به زندگانی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹ (به نقل از مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۴۳).

۲. همان، به نقل از ذریعة النجاة، ص ۲۳۴

سال‌های ۶۶ تا ۷۵ هجری قمری برای حجاز، عراق و شام، سال‌های محنت و آشوب بود و آنچه که این وضعیت و ناامنی را حادثتر و بحرانی‌تر می‌کرد، این مسأله بود که بلاد اسلامی از سوی قدرت‌های بزرگ آن زمان، همانند امپراتوری روم تهدید و یا در معرض تهدید قرار داشت و بدیهی است چنین وضعیتی ایجاب نماید که امام سجاد در باب موضوع با اهمیت امنیت و مسائل دفاعی و حفظ مرزهای اسلامی، در صحیفه خود سخن براند و آموزه‌های خویش را در این باره عرضه بدارد.

باید خاطر نشان کرد که آن حضرت همانند سیره جدش امام علی علیه السلام، در عین ابراز تنفر از زمامداران متغلب اموی، از هدایت و راهنمایی آنان؛ به خصوص آن‌جا که اساس اسلام مطرح بود کوتاهی نمی‌کرد و در واقع ارائه آموزه‌های دفاعی و امنیتی در مقابل بیگانگان نامسلمانی که از خارج مرزها چشم طمع به بلاد اسلامی دوخته بودند، از این باب بوده است.

◀ بهره‌دوم مفهوم و جایگاه امنیت در منابع اسلامی

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری، به گونه‌ای قابل لمس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون، در حیات انسانی منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوان شده است. ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است. این واژه را به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حد زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می‌شود. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی - که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند - از کاربردهای دیگر این واژه است. هم چنین امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات به گستردگی آن اشاره شده است. صورت فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیش‌تر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «امن» صورت پذیرفته است.

در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق^۱ شده است که حدود ۸۷۹ بار در قرآن به

۱. هم چنین کلمه‌هایی با بار معنایی مشابه امنیت، مانند «سکینته» ۳ بار، «سکینه» ۳ بار و «سلام» ۳۳ بار، و «سلاماً» ۹ بار در قرآن آمده است.



کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی است.^۱ پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با واژه‌های ایمان و مؤمن، نشان دهنده اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت در اسلام است؛ مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، به وفور در ادعیه اسلامی و شیعی دیده می‌شود. آن چه که بدیهی است، در این مجال مختصر، امکان پرداختن به ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضائی، امنیتی و...، نه وجود دارد و نه لازم است.^۲ اما با صراحت می‌توان اذعان داشت، این مفهوم در منابع اسلامی، دارای عرصه وسیعی بوده و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی و دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی است و البته این امر نسبی است نه مطلق و نیز تابع وضع و امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را صرفاً به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه‌های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد؛ بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز اتکا و وابستگی کامل دارد.

قرآن و روایات، بیانگر این نکته بسیار مهم است که هرگونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی، در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان؛ مانند: شرک، کفر، ظلم، استکبار و... بر می‌گردد. هم‌چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زا است. بنابراین می‌توان گفت، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه، برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی و دوری آن‌ها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین ساز و کار تأمین امنیت است؛ بدین خاطر هر نظام واقعی اسلامی باید

۱. ر.ک. به: روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، المجلد الاول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش، صص ۳۷۲ و ۳۷۳
شایان ذکر است که کلمه «الأمن» در مجموع سه بار که دو بار آن در سوره مکی انعام آیات ۸۱ و ۸۲ و یک بار در سوره مدنی نساء، آیه ۸۳ آمده است. کلمه اَمناً دو بار که یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مدنی نور، آیه ۵۵ استفاده شده است. هم‌چنین واژه «امنة» دو بار در سوره‌های مدنی آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ به کار رفته است.

۲. ر.ک. به: نگارنده، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (کانون اندیشه جوان)، ۱۳۸۵

قرآن یکی از
اهداف
برقراری
حاکمیت خدا
و جانشینی
صالحان و
طرح کلی
امامت را،
تحقق امنیت
معرفی کرده
است.

تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می‌کنند، فراهم نماید. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. مشخص است که تا پیش از ظهور، انجام کامل و بهینه این امور توسط حکومت‌های دنیایی امکان‌پذیر نیست و این گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی (عج) محقق خواهد شد.

در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و... انسان وارد شده است که چند نمونه از آن‌ها آورده می‌شود:

الف) قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را، تحقق امنیت معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿وَعَدَالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً...﴾^۱

«خداوند به کسانی از شما، که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد. همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و



«دکترین» و سیاست‌های دفاعی - امنیتی ...



چیزی را با من شریک نگردانند.»

ب) بنا به آیه ﴿وَاذْ قَالِ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اَمْنًا...﴾^۱ حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نظر نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه ﴿وَاذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا﴾^۲ آن جا را خانه امنی برای مردم قرار داد و به همین سرزمین امن برای بیان چگونگی آفرینش انسان سوگند یاد می‌کند.^۳

این که از سوی خدای متعال خانه کعبه امن قرار داده شده، در حقیقت بیانگر اهمیت امنیت است که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف گردیده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری تکرار شده است؛ همچنان که خداوند در سوره تین، مکه مکرمه و شهر کعبه را به «بلد امین» تشبیه کرده است.

ج) در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده و بنا به آیه ﴿وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّقَوْمٍ اٰمَنُوْا مَطْمَئِنَّةً يَّاتِيْهِمْ رِزْقُهُمْ رِغْدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾^۴ خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه و شهری را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به فراوانی از هر مکانی فرا رسیده است. بدیهی است، تحقق نهایی چنین شهری در جایی به جز عصر و حکومت امام مهدی، محقق نخواهد شد.

د) قرآن کریم یکی از مصداق‌های مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» را امنیت دانسته است؛ به عنوان نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه ﴿وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَاَتَقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾^۵ به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد:

«برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد.»^۶

۱ ابراهیم: ۳۵

۲ بقره: ۱۲۵

۳ ﴿وَهٰذَا الْبَلَدُ الْاَمِيْنُ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ﴾ (تین: ۳ و ۴)

۴ نحل: ۱۱۲

۵ اعراف: ۹۶ «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.»

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۲

همچنین این مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه» و «حیات طیبه» یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت می‌شمرد؛ هم‌چنان که یکی از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می‌داند.^۱

ه) هنگامی که خانواده حضرت یوسف وارد مصر می‌شوند، او از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر، انگشت روی مسأله امنیت می‌گذارد و به پدر و مادر و برادران خودش می‌گوید: ﴿أَدْخُلُوهَا مِصْرًا إِنَّ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ﴾؛ یعنی «داخل مصر شوید که ان شاء الله در امنیت خواهید بود.» این نشان می‌دهد که نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی دیگر نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی.^۲

در سخنان و روایات معصومان علیهم‌السلام نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«من أصبح معافی فی بدنه آمنة فی سربه عنده قوت یومه فكأنما حیزت له الدنيا بحذافیرها»^۳
«کسی که تنش سالم و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.»

ایشان هم چنین فرموده است:

«الأمن و العافیة نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس»^۴
«امنیت و سلامت، دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبون‌اند.»

امام صادق علیه‌السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و در این راستا فرموده است.

«خمس خصال من فقد منه واحدة لم یزل ناقص العیش، زائل العقل، مشغول القلب: فأولها

۱. همان، ج ۷، ص ۴۶۷

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۱۰، ص ۸۴

۳. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نهج الفصاحه، گردآورنده: مرتضی تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۳۷۴،

ص ۵۹

۴. همان.



صحة البدن و الثانية الأمن و...^۱

«پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامتی و دومین آن امنیت است...»

در روایتی از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به عنوان سه نیاز اساسی مردم یاد شده است «ثلاثة أشياء يحتاج الناس طراً إليها؛ الأمن و العدل و الخصب»^۲ سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.»

امام علی علیه السلام در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آنها می‌شمارد. باز آن حضرت در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهية العيش في الأمن»^۳ رفاه زندگانی در امنیت است و «لا نعمة أهنأ من الامن»^۴ هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

◀ بهره‌سوم سیاست‌های دفاعی - امنیتی از دیدگاه امام چهارم

□ گفتار اول - اهداف غایی و مبانی اصلی

با نگرش ژرف و دقیق به صحیفه سجادیه، می‌توان آموزه‌های دفاعی و امنیتی بیان شده از سوی حضرت را در دعای بیست و هفتم، که مربوط به مرزبانان یا سپاهیان سرحدات اسلامی است، ملاحظه کرد. ضمن این که دعای چهل و نهم هم جهت دفع کید و مکر دشمنان وارد شده است. قبل از آن که دیدگاه‌های دفاعی - امنیتی امام سجاد تبیین شود، ذکر چند مقدمه یا نکته لازم است:

اولاً: امنیت مبتنی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید ائمه معصومین علیهم السلام و از اهداف و آرمان‌های عالی ایشان بوده است. امام سجاد همانند سایر معصومان و همچون دیگر اندیشوران اسلامی، به خاطر ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم آفرین، معتقد به ضرورت وجود حکومت است و همانند جدش امام علی علیه السلام، حتی حکومت بد و قوانین نامطلوب را،

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، حکمت ۱، ص ۱۷۱

۲. ابو محمد ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۳۴

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش، ج ۴، ص ۱۰۰

۴. همان، ج ۶، ص ۴۳۵

از هرج و مرج و بی قانونی بهتر و آسیب و تباهی اش را کمتر می داند؛ زیرا در برابر بی قانونی و هرج و مرج، تمام راه های نجات مسدود و کلیه امور و حدود تعطیل می گردد و فتنه، حاکم می شود همان طور که امیر مؤمنان علیه السلام عدم وجود نظم اجتماعی و قانون مداری و به دنبال آن برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوانی درنده بدتر می داند و می فرماید:

«امام عادل خیر من مطر وابل (و) سبع حطوم اکول خیر من وال غشوم ظلوم، و وال غشوم ظلوم خیر من فتنه تدوم»^۱

«پیشوای دادگر، از باران پیوسته (که همه چیز را بارور می کند) بهتر است، و جانور درنده و آدمخوار، از فرمانروای ستمکار بهتر است، و فرمانروای بیدادگر از ادامه هرج و مرج نیکوتر است.»

گفتنی است که امیر مؤمنان علیه السلام فراهم کردن امنیت همه جانبه را مقصد اساسی می دانست که در سایه آن، رشد و تعالی مردمان سامان می یابد.^۲ و ایشان اسلام را مایه امنیت اساسی معرفی کرده و فرموده است:

«الحمد لله الذی شرع الاسلام... فجعله أمنا لمن علقه»^۳ سپاس خدای را که راه اسلام را گشود... و آن را برای هر که به آن چنگ زند امن قرارداد.»

از این رو، یکی از راه های دستیابی به امنیت، آموزش آموزه های دینی به مردم است. از سوی دیگر، علی علیه السلام از جوانب دیگری نیز به موضوع امنیت و آرمان تأمین کامل آن پرداخته اند. ایشان درباره ضرورت دستگاه اطلاعاتی، در نامه به مالک اشتر و نامه دیگر (نامه ۴۵ نهج البلاغه) بیاناتی دارند. در مورد ضرورت و اهمیت مرزبانی و مرزداری، سخنان امام (نامه ۳۳) ناظر بر این موضوع است. از سویی دیگر ضرورت تشکیل سپاه و تقویت نیروهای رزمی را می توان در نامه های ۱۲، ۱۶ و ۵۳ و خطبه های ۱۲، ۱۰ و ۶۳ ملاحظه کرد^۴

۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، حکومت حکمت، خانه اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۷۹ (به نقل از ابو عبدالله محمد بن سلامه القضاعی، دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم، الطبعة الاولى، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۱، ص ۲۱).

۲. نهج البلاغه، شرح و ترجمه سید علینقی فیض الاسلام، حکمت ۱۳۱، بند ۳، ص ۴۰۷

۳. همان، خطبه ۱۰۵، بند ۱، ص ۳۱۳

۴. علی علیه السلام در باب فنون جنگی و آداب رزم بیانات متعددی دارد. برای نمونه ر.ک. به: اویس کریم محمد، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۸ هـ، صص ۲۳۶ - ۲۳۰



بدین ترتیب واضح است که امام سجاد در این مسیر به جدش اقتدا کرده است. ثانیاً: همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، امام سجاد علیه السلام نیز در عین ابراز تنفر از زمامداران خودسر اموی، از هدایت و راهنمایی آنان به خصوص آنجا که حفظ اساس اسلام و مصالح امت اسلامی مطرح بود، کوتاهی نمی‌کرد. ذکر نمونه و شاهدی بر این مدعا مفید است:

در زمان عبدالملک، خلیفه اموی، پارچه‌هایی که شعار تبلیغاتی مسیحیت (پدر، پسر و روح القدس) بر آن نقش بسته بود. رواج داشت؛ حتی بر پارچه‌هایی که در مصر اسلامی می‌بافتند، به تقلید از رومیان همان نقش را می‌زدند، این کار مورد اعتراض مسلمانان قرار گرفت و از عبدالملک درخواست کردند که به جای علامت «تثلیث» نشان توحید بر آنها نقش کند؛ خبر به امپراتور روم رسید و او از عبدالملک خواست که از ایجاد هر نوع تغییر و دگرگونی در پارچه‌های بافت مصر خودداری شود، در غیر این صورت سکه‌هایی ضرب خواهد کرد که روی آن ناسزا به پیامبر اسلام نقش بسته باشد؛^۱ در آن روز، پول رایج در کشور و بلاد اسلامی، همان سکه‌هایی بود که در روم تهیه و ضرب می‌شد. وقتی چنین خبری به عبدالملک رسید، از امام سجاد استمداد کرد، امام طرح استقلال اقتصادی و بی‌نیازی از سکه‌های رایج روم را پیشنهاد کرد و فرمود: باید در کشور اسلامی سکه‌های جدیدی ضرب شود که در یک روی آن جمله ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ و در روی دیگرش «محمد رسول الله» حک گردد؛ آنگاه امام علیه السلام قالب‌گیری دقیق و ضرب این جمله‌ها را به آنان آموخت؛ و طرح آن حضرت عملی شد و سکه‌های اسلامی به بازار آمد و به بهره‌جویی و استیلاطلبی روم، به عنوان کشور مسیحی بیگانه، خاتمه داده شد.^۲

بدین ترتیب به وضوح می‌توان دریافت که دعاها و راهبردهای دفاعی مطروحه در دعای ۲۷ صحیفه، به معنای دفاع از ظلم و جور دستگاه‌های حاکمه وقت نبوده و مصالح اساسی اسلام و امت اسلامی را مد نظر داشته است؛ همچنان‌که امام علیه السلام در همین کتاب شریف با زبان راز و نیاز، شکایت‌های خود را از این دستگاه جائر و اسلام ستیز، به گونه زیر در دعای چهل و نهم بیان می‌دارد و خدای منان را شکر می‌گزارد که وی را از مکاید و دشمنی‌ها [ای

۱. متأسفانه این ماجرا بیانگر آن است که سنت مذموم توهین به مقدسات اسلامی در بین غربیان به خصوص به نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سال ۲۰۰۶ میلادی، پدیده جدیدی نیست و این حقد و کینه مسبوق به سابقه و دارای ریشه‌های قدیمی در بین زمامداران و نظام‌های سیاسی آنهاست.

۲. سبحانی، پیشین، ص ۱۶۳، (به نقل از اعیان الشیعه، قطع رحلی، ج ۱، ص ۶۵۴، المحاسن و المساوی بیهقی جزء ۲).

حکومت [مصون داشته است:

«... ای خدای من، چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوت بر من کشید و خنجر کین تیز کرد و نیزه و سنان از خشم من تند نمود و سمومات کشنده بر قتل من آماده ساخت و با تیرهایی که به هدف می رسید مرا نشانه کرد و چشمش از مراقبت من به خواب نمی رفت و در دل داشت که مرا آماج هر رنج و شکنجه قرار دهد و شربت ناگوار مرگ را به من بچشانند... پس تو به قوت و قدرت ازلی مرا یاری کردی و در مقابل دشمن پشت مرا محکم ساختی. آن گاه تندی تیغ دشمن را بر من کند کردی و مرا به شرف و بزرگواری بر او قدرت و برتری دادی و آنچه از مکر و حیلتش کار بر من محکم کرد همه را به او برگردانیدی... و ای خدا، چه بسیار ستمگر که در پی آزار من مکرها اندیشید و دامها برای شکارم گسترد و از پی جستجویم، موکل و دیده بانانش را برانگیخت و مانند سب و درنده ای که برای شکار خود کمین کرده و در کمین گاه من در انتظار فرصت بود و برای فریب من متملقانه رخساره بشاش نشان می داد و از دل به چشم کینه به من می نگریست. ای خدای بزرگوار، چون خیانت و خبث سریرتش را دیدی و قبح و زشتی نیت شومش را، تو هم (به قهر و غضب) از مغز سرنگون به چاه و هلاکش کردی و او را به گودال عمیق (که خود کنده بود) درافکندی...»^۱

امام علی (ع) همواره در حیات خویش، ضمن پناه بردن به خداوند از شر حکومت های جائر وقت، از خداوند بر ضد آنها دادخواهی می کرد و یاری می خواست.

«ای خدا، همیشه تو را به دادخواهی و یاری خواندم و به سوی تو (از شر و ستمهای دشمنان) پناه جستم و به سرعت اجابت و یاری تو اطمینان کامل داشتم و همانا می دانستم که هر کس در سایه حمایت تو در آید، هرگز مغلوب نخواهد شد. پس ای خدا، مرا به قدرت کامله ات از شر جور و ستم پناه ده...»^۲

هم چنین این نکته بسیار مهم هم باید خاطر نشان شود که حضرت در دعای بیست و هفتم

۱. صحیفه سجاده، دعای ۴۹، صص ۵۳۷ و ۵۳۸

۲. همان، صص ۵۳۸ و ۵۳۹



امام سجاد علیه السلام،
شریعت و
عدالت و
معرفت
خواهی و
جهاد در راه
استیلا
توحید را از
ویژگی‌های
سپاهیان
اسلام
می‌داند.

صحیفه، به دعا در حق مرزداران اسلامی و نه نیروهای تحت امر حکام جائز در عرصه داخلی؛ می‌پردازد و بدین ترتیب شائبه هرگونه همکاری و تأیید اینگونه حکام را برطرف می‌سازد.

ثالثاً: درست است که امام، بسیاری از راهبردهای دفاعی و امنیتی خود را در قالب راز و نیاز، از خداوند درخواست کرده، ولی بسیار واضح است که این شیوه بیانی، متناسب با کلیت عرفانی و انتخاب زبان رمز آلود از سوی امام در این مصحف شریف است. ضمن آن که مگر نه این است که هیچ دعایی بدون همراهی عمل داعی مستجاب نخواهد شد؟ پس در واقع می‌توان درخواست‌های حضرت از خداوند متعال را به عنوان دستورالعمل‌های قابل اجرا و تجویز قلمداد نمود و تحقق این ادعیه راهبردی از سوی خداوند را منوط به همراهی عملی مسلمانان دانست و از این دعاها، آموزه‌های لازم دفاعی و امنیتی را استنباط و برداشت نمود.

◀ گفتار دوم - آموزه‌ها و سیاست‌ها

□ ۱- نفی هرگونه جنگ و سلطه‌طلبی و مشروعیت صرف

جنگ توحیدی

بر حسب آموزه‌های امام سجاد علیه السلام، جنگ طلبی مذموم و ناپسند بوده و تنها جنگ در راه حق و اهداف توحیدی مورد پذیرش است. بدین سان، اساس این سیاست، نفی جنگ طلبی است و اگر قرار است جنگی هم موجه باشد، آن، نبرد در راستای حاکمیت توحیدی و تفکر توحیدی بر همه جای عالم است. امام علیه السلام در این راستا برای سپاهیان و مرزداران اسلامی چنین دعا می‌فرماید:

«.. و آنها را از جنگ و محاربه کفار، فراغت برای عبادت بخش و از دفع و طرد آنها آسوده‌ساز تا با تو به خلوت و راز و نیاز پردازند و تا آن که دیگر در معموره زمین هیچکس غیر تو را پرستش نکند و پیش احدی جز ذات



گفتار

سال دوازدهم / شماره دوم



۱۸۰

یگانه تو، کسی جبهه به خاک مذلت نساید. ^۱... پروردگارا!
و این نعمت غلبه و استیلاى مسلمین را در تمام اقطار عالم
تعمیم ده.»^۲

همچنین امام علیه السلام، شریعت و عدالت و معرفت خواهی و جهاد در
راه استیلاى توحید را از ویژگی های سپاهیان اسلام به شمار آورده است:

«پروردگارا! هرگاه از قشون اسلام، که اهل ملت و شرع تو
هستند، مرد جنگ جویی با آن کافران به جنگ برخیزد یا
آن که از پیروان سنت و آیینت مردی با عدالت و معرفت، با
آن‌ها به جهاد و دفاع رو آورد، با این مقصود که دین
تو حیدی تو برتری یابد و حزب و سپاه تو نیرومندتر شود
و بهره خلق از معرفت بیشتر گردد. تو ای خدا، بر آن مرد
جنگ جو و مجاهد، امر جنگ را سهل و آسان گردان و...»^۳

□ ۲ تأکید فوق العاده بر امنیت و حفظ حدود و سرحدات

در واقع آنچه به خوبی بیانگر موضوع امنیت و حفظ سرحدات
بلاد اسلامی است، در این نهفته که امام، دعای بیست و هفتم خود را با
تأکید بر این موضوع مهم آغاز کرده است:

«پروردگارا! درود فرست بر محمد و آل اطهارش و ثغور
و سرحدات مسلمین را به عزت و جلال خود محفوظ
بدار و سپاهیان اسلام را که به حمایت و نگهداری مرزهای
کشورهای اسلامی همت گماشته‌اند، به قوت و قدرت
کامل خود یاری فرما...»^۴

۱. همان، ص ۲۶۴

۲. همان، ص ۲۶۵

۳. همان، ص ۲۶۶

۴. همان، ص ۲۶۱



□ تبیین ویژگی‌ها و صفات لاف‌جهت‌نیر و‌های نظامی

امام علی (ع) جهت سپاهیان، صفات و ویژگی‌های متعددی آورده است؛ همانند صبر، ثبات، پایداری، شجاعت، سلامت جسمی، اخلاق نیکو، حسن سیاست یا تدبیر، شهادت‌طلبی، رهبانیت در جهاد، خلوص و حسن نیت، عدالت ورزی و دوری از ریا و بدیهی است در هر نظام اسلامی می‌بایست در اتصاف نیروهای نظامی به این صفات کوشید. از آنجا که این فراز از دعای بیست و هفتم بلند است، تنها گوشه‌ای از آن را می‌آوریم. امام درباره جنگ‌جویان و مجاهدان اسلامی این‌گونه دعا می‌کند:

«... و از غم و اندوه و حشت جنگ، او را در پناه خود بدار و یاد اهل و اولاد را از خاطرش ببر و حسن نیت بر او اختیار فرما و هم او را بر حسن عاقبت و رستگاری یاری کن. نعمت سلامت و صحتش مستدام بدار و از جبن و ترس و کم دلی دورش دار و شجاعت و پردلی بر او الهام کن و او را سختی و پایداری نصیب فرما و به نصرت و فتح و ظفر مؤیدش بدار و سیرت خویش و اخلاق نیکو و حسن سیاستش تعلیم ده و در حکم میان خلق، به عدل و سداد و صواب موفقش فرما و از ریا، شهرت‌طلبی و خودنمایی دورش دار و قصدش خالص گردان و به لطف خود همه کار، فکر و ذکر و حرکت و سکونش را در راه خود خالص برای حضرتت قرار ده و... سپاه دشمن را در چشم او اندک بنما و شأن و شوکت آن را در قلب او ناچیز گردان...»^۱

بدین ترتیب در سیاست و آموزه‌های دفاعی حضرت سجاد، نیروهای نظامی نه تنها جنگ طلب، استیلا جو و مظهر اعمال خشونت نامشروع نیستند بلکه می‌بایستی از متدین‌ترین و



فروهیخته‌ترین افراد اجتماع باشند و بدیهی است چنین بینش متعالی درباره نیروی نظامی در نوع خود بی‌نظیر است.

□ ۴- تأکید بر ارتقای کمیّت و کیفیت نیروهای انسانی، تسلیحات و کارآمدی آن‌ها

درآموزه‌های امام، کمیّت و کیفیت نیروها و تجهیزات نظامی از اهمیت بسزا و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است و نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به پیروزی ایفای کند. امام از خدای متعال چنین می‌خواهد:

«... و عده سپاهیان سرحدی مسلمین را زیاد و سلاح آن‌ها را مجهز و بران ساز.»^۱

بنابراین، مشخص است که ارتقاء کمیّت و کیفیت و تجهیز نیروهای انسانی و تسلیحات نظامی، امری راهبردی است که قرآن کریم نیز بر این اهمیت صحه گذارده است.^۲

□ ۵- تأمین به موقع تدارکات و لجستیک سپاه

با توجه به اهمیت این امر، در کلیه سیاست‌های دفاعی و نظامی، حضرت از خدا چنین استمداد می‌کند:

«و ای خدا، تو خود مدیر بر امرشان باش و قوت و آذوقه آن‌ها را پی در پی، بی‌رنج انتظار، عطا فرما و تو خود به تنهایی مؤونه آن‌ها را تکفل کن...»^۳

□ ضرورت ایجاد الفت، هماهنگی و همدلی در سپاهیان

امام در دعای خود با عبارت «و احرس حوزتهم و امنع حومتهم و آلف

۱. همان، ص ۲۶۱

۲. ﴿واعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل، ترهبون به عدوالله و عدوكم﴾ (انفال: ۶۰).

۳. صحیفه سجادیه، ص ۲۶۲



در
آموزه‌های
دفاعی -
امنیتی
صحیفه
سجادیه،
مشارکت
همگانی مردم
در امر دفاع
توصیه شده
و برای
مساهمت و
آماده سازی
و بسیج
نیرو و
امکانات،
راه‌های
مختلفی
عرضه
شده است.

جمعهم»^۱ از خداوند متعال می‌خواهد که حدود و جوانب لشکریان اسلام، حفظ و مستحکم گشته و دل‌های سپاهیان با هم جمع و هماهنگ گردد. بدیهی است از این منظر، سپاه اسلام با انس، الفت و اتحاد و اتفاق و وحدت روحی؛ قدرت بیشتری یافته و دیگر دشمن نخواهد توانست با نفاق افکنی و اختلاف‌انگیزی، مایه تضعیف عزت و قدرت آن‌ها شده و سپاهیان و مرزداران اسلامی را با نفاق‌افکنی ذلیل و ناتوان سازد.

□ ۷ ضرورت کسب اطلاعات کافی از دشمن و بهره‌گیری از حيله‌ها و تدابير جنگی

حضرت سجاد علیه السلام از خداوند متعال می‌خواهد که به سپاهیان سرحدات اسلامی، شناخت، علم و بصیرت لازم نسبت به دشمن و اطلاع از حيله‌ها و تدابير جنگی را اعطا نماید و جمله زیبای امام در این باره چنین است:

«... و اللف لهم فی المکر... و عرفهم ما یجهلون و علمهم ما لا

یعلمون و بصرهم ما لا یبصرون»^۲

به خوبی روشن است که در این فقره از دعا، داشتن تدبیر دقیق و اطلاعات و شناسایی‌های لازم از دشمن، امر لازمی شمرده شده و در واقع ناظر بر این موضوع است که در آموزه‌ها و سیاست دفاعی، داشتن راهبردهای جنگی و اطلاعات کامل از خصم، همواره امری الزامی است.

با توجه به کاربرد کلمه «مکر» در این فراز از دعا باید این نکته خاطر نشان شود که در بسیاری از روایات، کاربرد مکر یا حيله و خدعه علیه دشمن، بر خلاف «غدر» صحیح و لازم شمرده شده است؛



۱. همان، صص ۲۵۶ و ۲۶۲

۲. همان، ص ۲۵۶

زیرا مکر یا حیله، خود نوعی راهبرد و تدبیر جنگی است در حالی که «غدر»، یا پیمان شکنی، عملی غیر اسلامی و غیر انسانی و بر خلاف مروت و جوانمردی محسوب گشته است؛ لذا روایات بسیاری با مردود دانستن غدر یا پیمان شکنی، جنگ را نیرنگ دانسته و کاربرد نیرنگ یا فریب را کاملاً مجاز توصیه می‌کند.^۱

□ ۸ ضرورت بسیج و آمادگی دائمی نظامی و آماده‌سازی مداوم نیرو

در آموزه‌های دفاعی - امنیتی صحیفه سجادیه، مشارکت همگانی مردم در امر دفاع توصیه شده و برای مساهمت و آماده سازی و بسیج نیرو و امکانات، راه‌های مختلفی عرضه شده است؛ از جمله می‌توان به مشارکت مالی، مشارکت در تأمین مایحتاج نظامی و غیرنظامی سپاهیان و مرزداران، و هرگونه مساعدت در تشویق و ترغیب مستقیم و یا غیرمستقیم امر جهاد و مجاهدان اشاره کرد: فرازی از صحیفه که این معانی از آن برداشت می‌شود چنین است:

«پروردگارا! هر مسلمانی که فرزند مجاهد و جنگجویی یا مرابط و سرحدداری در خانه خود واگذارد یا آن که از جانشینانش کسی را بر این کار صالح، مهیا سازد و یا به قسمتی از مالش یا سلاح و لوازم جهادش به مسلمانی اعانت و یاری کند یا وی را به تشویق و ترغیب برای امر جهاد برانگیزد و یا آن که به حضورش کسی را دعوت به پیروی او کند یا در غیابش حرکت و تعظیم و تکریم او را رعایت کند، پروردگارا! تو چنین کس را زبون مکن و به مانند آن کس که خود جهاد می‌کند، اجر و پاداش عطا فرما!»^۲

همچنین، حضرت سجاد، با ضروری دانستن نیت و قصد الهی در جهاد و دفاع، برای ناتوانان از شرکت در دفاع از بلاد اسلامی، که دارای نیت قلبی اهتمام به امر دفاع و جهاد هستند، اجر و ثواب مجاهدان اسلامی قائل است.^۳

۱. برای نمونه ر.ک. به: محمدی ری شهری، محمد، میزان‌الحکمة، ۱۰ جلد، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ باب اصطلاحاتی مانند «حرب»، «المحارب» و «الحرس». در این بخش از میزان‌الحکمة روایاتی که حاکی از استفاده از اصل فریب یا مکر توسط حضرت علی علیه السلام در جنگ احزاب و مقابله با عمرو بن عبدود است، بسیار جالب، آموزنده و کاربردی است.

۲. صحیفه سجادیه، ص ۲۶۸

۳. همان، ص ۲۶۹



□ ۹- تأکید بر قاطعیت در نبرد و کسب پیروزی نهایی

تاریخ به خوبی گواه است که بسیاری از مبارزات حق جویانه، به دلیل ساده اندیشی و یا سستی در مبارزه و ضعف در دستیابی به پیروزی نهایی و یا مسالمت جویی نابجا با دشمنان به ثمر نرسیده است. امام سجاد با وقوف به این امر، ویژگی پیروزی مطلوب در مبارزه با دشمنان را فرار و هزیمت دشمنان و پراکنده سازی و قطع طمع آنان نسبت به بلاد اسلامی و مذلت کامل ایشان به حساب می آورد و چنین پیروزی و عقوبت متجاوزین را مایه عبرت گیری سایرین به شمار می آورد. امام، ویژگی پیروزی ضروری و صفات دشمن مغلوب را در این فراز از دعا، بدین گونه شرح می دهد:

«... چنان مقهورشان ساز که پیروانشان همه متفرق و فراری شوند و پیروانشان را به واسطه شکست آنان، به نکال و عقوبت و عذاب سخت در افکن تا به خزی و مذلت آنها دشمنان بعد از اینان (عبرت گیرند) و قطع طمع از پیروزی کنند^۱... که تا آخرین افراد مشرکین را به قتل و اسارت هلاک گردانی و ریشه شوکت و اقتدار آنها را از بیخ و بن برکنی»^۲.

□ ۱۰- تقویت ایمان سپاهیان، رمز پایداری و مقاومت در جنگ

از منظر امام، تقویت ایمان سپاهیان و مرزبانان، با عاری نمودن فکر و ذهن آنها از امور فتنه انگیز و فریبنده دنیوی و یادآوری وعده های الهی و نعمت های بهشتی برای آنان، باعث استقامت و پایداری آنها در جنگ خواهد گشت و بدین سان نه تنها ایشان روی از جنگ برنخواهند تابید که حتی خیال فرار از آوردگاه هم به ذهن آنها خطور نخواهد کرد.^۳

□ ۱۱- راهکارها یا راهبردهای عمومی مقابله با دشمن

حضرت سجاد جهت کاهش تأثیر نیروی نظامی دشمن و مقابله با آنها، به ارائه راهبردهای دفاعی و تقابلی لازم پرداخته است که البته به صورت درخواست از خدای متعال و به صورت زیر تبیین گردیده است:

۱. همان، ص ۲۶۳

۲. همان، صص ۲۶۵ و ۲۶۶

۳. همان، صص ۲۶۲ و ۲۶۳

- ۱- ممانعت از دستیابی دشمن به تسلیحات
 «میان دشمنان و اسلحه جنگ‌شان جدایی انداز.»^۱
- ۲- نابودی نقاط و مناطق پشتیبانی و تدارکات.
 «و محل وثوق آن‌ها را نابود گردان.»^۲
- ۳- ممانعت از دستیابی دشمن به تدارکات.
 «میان آن‌ها را با محل آذوقه‌شان دورگردان.»^۳
- ۴- کاربرد عوامل گمراه‌سازی و فریب دشمن.
 «از راه پیشرفت، آن‌ها را حیران و سرگردان ساز و هر جارو کنند گمراهشان گردان.»^۴
- همچنین در فراز دیگری از این دعا، حضرت جمله‌ای دارند که به نظر می‌رسد می‌توان از آن ضرورت استفاده از عملیات جنگ روانی را فهم و توجیه کرد؛ آنجا که می‌فرمایند:
- «پروردگارا! تو دل‌های آن‌ها را از ایمنی و آرامش خالی گردان و قوای بدنی آن‌ها را ضعیف ساز و قلوبشان را از فکر مکر و حيله و فساد غافل دار.»^۵
- ۵- ممانعت از کمک‌رسانی همدستان و هم‌پیمانان و قطع کمک آنان.
 «مدد و کمک همدستان و هم‌پیمانانشان را از آنان قطع کن.»^۶
- ۶- مقابله با سیاست‌های تبلیغاتی دشمن.
 «دستشان را از هر طرف کوتاه و زبانشان را از سخن (به زیان اسلام و تبلیغ علیه مسلمین) قطع کن!»^۷
- ۷- ایجاد نزاع میان دشمنان و تفرقه‌اندازی و اختلاف کلمه میان آن‌ها.
 «پروردگارا! تو مشرکان را به جنگ و نزاع با مشرکان مشغول دار تا به اطراف و حدود دیار مسلمین دست‌درازی نتوانند کرد و آن‌ها را عوض مسلمین به نقص و کاهش (جان و مال) گرفتار ساز و به واسطه اختلاف کلمه و تفرقه از تجمع و اتفاق بر ضد مسلمین باز دار!»^۸

۱. همان، ص ۲۶۳

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۶۵

۶. همان، ص ۲۶۳

۷. همان.

۸. همان، ص ۲۶۵



۸- تضعیف سامانه فرماندهی دشمن.

«و ارکان آنها (یعنی سران و شجاعانشان) را از مقاومت در مقابل رجال مسلمین ضعیف ساز و سست‌گردان و آنان را از مبارزه با قهرمانان و شجاعان سپاه اسلام ترسان و هراسان ساز!»^۱

□ ۱۲- راهکارها یا راهبردهای ویژه در مقابله با دشمن

در فرازهای نسبتاً پرحجمی از دعای بیست و هفتم، امام زین العابدین علیه السلام بدترین و سنگین‌ترین نفرین‌ها و بدخواهی‌ها را در حق دشمنان اسلام و متجاوزین به بلاد اسلامی و حتی چارپایان و گیاهان محیط زیست آن‌ها نموده است و این پرسش بحث‌انگیز مطرح می‌شود که آیا از نفرین‌های مذکور که به درگاه الهی شده است می‌توان راهبردی در مقابله با این دشمنان، استنتاج نمود؟ و آیا بیانات امام می‌تواند بر کاربرد دفاعی جنگ هسته‌ای یا میکروبی و بیولوژیک علیه دشمنان متجاوز صحنه گذارده و آن را هم تجویز کند؟
بیان امام چهارم چنین است:

«پروردگارا! برای هلاک دشمنان، در آبهایشان و با^۲ و طاعون و در طعام‌هایشان امراض دیگر داخل ساز و بلادشان را به بلای خسوف و زلزله ویران گردان و پیوسته دیارشان را به سنگ باران، خراب ساز و به خشکسالی و قحطی دچار کن و آذوقه آن‌ها را در خشک و بی‌گیاه‌ترین سرزمین و دورترین اماکن از آن‌ها قرار ده و حصار آن اماکن را مانع دسترسی به آذوقه‌شان بگردان تا سپاه دشمن به جوع

۱. همان.

۲. بیماری وبا (Cholera)، مرضی مسری با علائم اسهال و استفراغ و آبزدایی همراه با دردهای شکمی است که از طریق میکروبی به نام «ویبرل کلره» و بواسطه نوشیدنی و غذای آلوده منتقل می‌شود و اشاره حضرت در دعای ۲۷ به عامل انتقال این بیماری از طریق آب، خود نوعی اعجاز علمی در آن دوره است که هنوز راه‌های سرایت بیماری از طریق میکروب ناشناخته بود. شایان ذکر است که در صحیفه سجادیه حتی به مطالب علمی دیگری متناسب با جهان امروز نیز اشاره گشته، مثلاً در دعای پنجاه و یکم، حضرت می‌فرماید: «بار خدایا! تو منزهی که وزن تاریکی و نور را می‌دانی، از وزن سایه و هوا آگاهی».

این که، هوا و ترکیبات آن دارای جرم و وزن حجمی است، شاید در جهان امروز نیاز به توضیح نداشته باشد، اما خبر دادن از موضوعاتی مانند وزن داشتن تاریکی، انسان را به یاد آخرین کشفیات فیزیک و علم نجوم می‌اندازد که با طرح موضوع سیاه چاله‌ها، بیشترین حجم فضای کیهانی را «ماده تاریک» می‌دانند که وزن و جرم آن صدها هزار برابر عناصر زمینی است و به دلیل زیادی غیر قابل وصف جرم «ماده تاریک». نور از جرم این ماده نمی‌تواند عبور کند و در آن محبوس می‌شود.



و گرسنگی ممتد و مرض سخت به هزیمت افتد.^۱ خدایا! تو رَحِم زنان و پشت مردان دشمن را عقیم و محروم از فرزندان ساز و چارپایان و انعامشان را مقطوع النسل گردان و به آسمانشان اجازه یک قطره بارش مده و به زمینشان اجازه رویدن گیاهی نفرما و به جای آن، باران، حیوانات و نباتات دیار اهل اسلام را پربار ساخته و بدین سان آنها را نیرومند و محفوظ ساز.^۲

با وجود امکان برداشت‌های متفاوت از این دو فراز از دعای بیست و هفتم و با توجه به اهمیت بیش از حد مقوله حفظ اساس اسلام و امنیت و ثغور بلاد و امت و جامعه اسلامی، نظر نگارنده بر آن است که می‌توان از این بخش از دعا به جواز و امکان کاربرد دفاعی و اضطراری جنگ افزارهای غیرمتعارف و با توان نظامی و تخریبی قوی‌تر صحنه گذاشت، هر چند دامنه جغرافیایی و نظامی و کاربردی این تسلیحات می‌بایستی در پایین‌ترین حد ممکن و پایین‌ترین آستانه کفایت باشد تا کمترین میزان آسیب‌های انسانی، جانوری و گیاهی تحمیل گردد، ضمن آن که ضرورتاً باید با دشمنان قبل از چنین کاربردی به اتمام حجت‌های لازم مبادرت نمود.

همچنین بدیهی است که بخش زیادی از واردسازی چنین خسارت‌هایی به دشمن تنها در پرتو استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف ممکن است و از سوی دیگر عقل حکم می‌کند که انسان خود نیز در مسیر تحقق دعای خویش از هیچ کوشش و عملی در آن راستا کوتاهی نکند و لذا به نظر می‌رسد که بیانات امام چهارم در این بخش از دعاها نیز می‌تواند جنبه دستورالعملی و تجویزی داشته باشد و یا دست کم تجویز این گونه سلاح‌ها را در اشکال تاکتیکی با قدرت تخریب محدود و در حالت اقدام دفاعی و مقابله به مثل، توجیه و ضروری سازد.^۳

۱. صحیفه سجاده، ص ۲۶۶

۲. همان، ص ۲۶۴

۳. کاربرد مکرر و وحشیانه تسلیحات شیمیایی از سوی رژیم متجاوز عراق، علیه مناطق نظامی و غیر نظامی کشورمان در جنگ تحمیلی و تا بن دندان مسلح بودن دشمنان امروزی و فرامرزی نظام جمهوری اسلامی به مهیب‌ترین سطح از تسلیحات هسته‌ای و کاربرد قبلی این سلاح‌ها علیه ناکازاکی و هیروشیما توسط آمریکا، و همچنین تهدیدات مکرر به استفاده از سلاح هسته‌ای توسط اسرائیل، آمریکا و فرانسه در قبال فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اسلامی، بیانگر آن است که می‌توان به اینگونه برداشت‌ها از این بخش از دعای امام سجاد پرداخت.



◀ استنتاج

مقاله حاضر بیانگر آن است که بر خلاف تصورات غلطی که ممکن است از امام چهارم علیه السلام در افواه عامه مردم وجود داشته باشد مبنی بر این که حضرت، بخش زیادی از عمر خود را در انزوا و عزلت از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گذرانیده و تنها به دعا و مناجات مشغول بوده است، در حالی که امام با شجاعت و صلابت و با تدبیر در کلیه عرصه‌های مزبور حضور فعال داشته و کتاب ارجمند صحیفه سجادیه بهترین شاهد این مدعا است. به علاوه حضرت، با وجود آن که در شرایط بسیار حاد سیاسی و اجتماعی و عصری پرتلاطم می‌زیسته‌اند و با چندین خلیفه جائر و متغلب اموی، هم‌عصر بوده‌اند، باین حال به تنویر مستمر افکار عمومی و تلاش بر انجام اصلاح مردم و جلوگیری از انحرافات دینی در سطوح مختلف سعی بلیغی نمودند. همچنین امام با وجود تنفر از زمامداران اموی و مقابله بادستگاه جائر، از هدایت و راهنمایی آن‌ها به خصوص آنجا که حفظ اساس اسلام و مصالح امت اسلامی مطرح بود، کوتاهی نمی‌کردند و دقیقاً در همین راستا و جهت حفظ اساس این دیانت شریف، منظومه فکری و آموزه‌های نظری و عملی خود را در باب مسائل دفاعی و امنیتی و جهت مرزبانی بلاد اسلامی در دعای بیست و هفتم تدوین نمودند و بدین ترتیب و بر مبنای مستندات این پژوهش می‌توان با قاطعیت ابراز نمود که صحیفه و مصحف شریف سجادیه، شامل دکرین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم نظیری است که توسط امام سجاد، با رویکردی ظلم ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائر وقت، و به خاطر حفظ اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدها و تهاجمات بیگانگان، طراحی و اندیشیده شده و می‌توان در حال حاضر نیز بدان اتکا و استناد نمود.

□

